**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه چهل و هفتم\_22 دی 1397**

چون مرحوم شیخ طوسی اعلی الله مقامه مهمترین دلیلش را بر حجیت خبر واحد اجماع قرار داده است و بحث ما هم الان در اجماع ادعا شده بر حجیت خبر واحد است و چون کلام ایشان در عدة نکته های بسیار بسیار دقیق و بسیار بسیار لازمی را دارد که هم در اصول و هم در رجال قابل استفاده است.

من بهتر آن دیدم که کلمه به کلمه فرمایش شیخ در این باب خوانده بشود و اگر هم نقدی هست بگذاریم برای بعد، فعلا ببینیم شیخ طوسی اساسا چه می گوید طبق آن توضیحی که بنده عرض کردم جلسه گذشته تفسیر ما از کلام شیخ با توجه به سیره این شیخ در کتاب تهذیب و استبصار و این عباراتی که در این جا هست این بود که مرحوم شیخ طوسی مقصودش از حجیت خبر واحد، هر خبری از هر مخبری نیست، هم مخبر شرائطی دارد و هم خبر. نگاه این بزرگوار به اخبار امامیه است که در اصول و کتب معروفه و مشهوره شیعه ذکر شده است. از نظر مرحوم شیخ اگر روایتی در این اصول معروفه و مشهوره بود، و نویسنده اصلی کتاب هم موثق بود، و ولو قرائنی بر وفق این روایت نباشد، آن خبر واحد حجت است.

اگر به شیخ بگویید شما خبر واحد اهل سنت را می پذیرید؟ فعلا می گوید نه البته بعدا تبصره ایی دارد ولی جواب اصلی این است که نه.

اگر بگویی خبر واحدی در کتاب های امامیه هست، منتها آن کتاب معروف و مشهور نیست، آن خبر را میپذیری؟ باز هم می گوید نه مگر این که اجماعی بر وقف ان روایت باشد.

اگر از ایشان بپرسی اگر آن راوی اصلی ثقه نباشد، خبر واحدش را می پذیری؟ می گوید نه.

اگر از ایشان بپرسید شما در تک تک این روایات نیاز به بررسی سندی می بینید، در سند خودتان تا به صاحب کتاب؟ می گوید نه چون اصول معروف اند و مشهور.

اگر از ایشان بپرسید در آن قسمت دوم سند، از کتاب تا به امام همه باید موثق باشند، می گوید صاحب کتاب باید موثق باشد، ولی بررسی بقیه فقط در مقام تعارض نه در غیر مقام تعارض.

این عصاره آن چه تا به حال گفتیم. حال آیا شیخ الطوسی به آیه نفر تمسک می کند؟ لا. به آیه نبا و امثال این آیات تمسک می کند؟ نه. ایشان می گوید مدرک من بر حجیت خبر واحد با این قیود و این شروط اجماع این طائفه هست که من خودم این اجماع را یافته­ام که قرنی پس از قرنی، بزرگان ما به این روایاتی که ما گفتیم، عمل می کنند و قول کسی را که حرفش حرف تازه­ایی باشد ولی مستند به این اصول و کتب نباشد نمی پذیرند، سخن کسی را می پذیرند که حرفش مستند به این اصول اولیه و کتاب های معروف باشد. این اجماع حجت است لانّ اجماعهم فیه معصوم لایجوز علیه الغلط و السهو. ایشان قائل است به این که اگر در مساله ایی یا اساسا اختلاف نداشتیم، یا اگر مخالف بود نام و نشانش معلوم بود، آن بقیه معصوم درشان داخل است چون در آن بقیه افرادی را که ما نمی­شناسیم هست.

ان قلتَ جناب شیخ طوسی کلی گویی نفرمائید. یک شاهد قوی برای من اقامه کنید که قوم ما شیعه امامیه در حجیت خبر واحد تاملی ندارند.

قلتُ: من شیخ طوسی می گویم فرض کنید خبر واحد حجت نبود خب می شود مثل قیاس. همچنان که در قیاس علماء ما قاطعانه ایستاده اند نگذاشته اند قیاس وارد صحنه استنباط بشود و حتی بزرگی مثل ابن جنید را توبیخ می کردند که چرا تو به قیاس عمل میکنی، حال اگر خبر واحد هم حجت نبود، خب کالقیاس است باید همان طور که علماء ما قاطعانه در برابر قیاس ایستاده اند در برابر خبر واحد بایستند. آیا این نشان نمی دهد که خبر واحد حجت است عنهدم بر خلاف قیاس.

والذی یکشف عن ذلک ( اجماع) انّه لمّا کان العمل بالقیاس محظورا فی الشریعة عندهم لم یعملوا به اصلا و اذا شذّ منهم واحدٌ عمل به فی بعض المسائل،

یا نه حتی در مقام محاجه به قیاس روی می آورد توبیخش می کردند به گونه ایی که می گفتند حتی در مقام احتجاج هم نباید از قیاس استفاده کرد.

او استعمله علی وجه المحاجة لخصمه و ان لم یعلم اعتقاده ترکوا قوله و انکره علیه و تبرئوا عن قوله حتی انّهم یترکون تصانیف مَن وصفناه و روایاته لما کان عاملاً بالقیاس. فلو کان العمل بخبر الواحد یجری ذلک المجری لوجب ایضا فیه مثل ذلک. (یعنی همگان توبیخ کنند عمل کنندکان به خبر واحد را) و قد علمنا خلافه ( این بهترین شاهد بر این که عمل به خبر واحد اجماعی است.)

این قلتَ که این چه اجماعی است که شما ادعا می کنید و حال این که بزرگانی از شیعه اثنی عشریه مخالف خبر واحد هستند.

فان قیل کیف تدعون الاجماع علی الفرقة المحقة فی العمل بالخبر الواحد و المعلوم من حالها (الفرقة) انّه لا تری العمل بخبر الواحد کما انّ المعلوم من حالها انها لا تری العمل بالقیاس فان جاز ادعاء احدهما جاز ادعاء آخر

جناب شیخ طوسی شما به کتاب های کلامی مراجعه کنید چقدر علماء ما در برابر اهل سنت ایستاده­اند و به آن ها گفته اند خبر شما خبر واحد است و خبر واحد حجت نیست، و هو لا یفید علما و لا عملا . می گویید مثل قیاس جبهه بگیرند خب گرفته اند همان طور که گفته اند قیاس نه. گفته اند خبر واحد هم نه.

شیخ جواب می دهد بله من این ها را دیده ام ولی ان خبر واحدی که آن ها نقل می کنند ان خبر واحدی نیست که من اثبات می کنم، محل نفی و اثبات فرق دارد، من گفتم با چه شرائطی خبر واحد را قبول می کنم. خب من هم وقتی به بحث اهل سنت میرسم وقتی ان ها روایتی اوردند می گویم این فائده ندارد بروید خبر متواتر بیاورید و لی این معنایش نیست که خبر واحدی که من گفتم حجت نباشد

قیل لهم المعروف من حالها (الطائفه) التی لا ینکر و لا یدفع انّهم لا یرون العملَ بخبر الواحد الذی یرویه مخالفُهم، فی الاعتقادات خبری که و یختصون بطریقه ( ان ها فقط آورده اندش) فاما ما یکون راویه منهم (امامیه) و طریقة اصحابهم فقد بینا ان المعلوم خلاف ذلک (ما اثبات کردیم که سیره امامیه این نیست که روایات خودشان را هم به اسم خبر واحد ان هم در فروع فقهیه کنار بگذارند) و بینا الفرق بین ذلک (خبر امامیه ایی که در کتب مشهوره باشد) و بین القیاس ایضاً و انه لو کان معلوماً (اگر معلوم بود) حظر العمل بخبر الواحد لجری المجری العلم بحظر القیاس و قد علم خلاف ذلک.

فان قیل (من نظرم فقط به علماء اهل سنت نبود، من می گویم بین خودمان کسانی هستند که میگویند حتی عقلا می گویند عمل به خبر واحد جایز نیست، بعضی ادعای اجماع کرده اند که خبر واحد حجت نیست. من علمای خودمان را می گویم ان هم نه در برابر اهل سنت.)

فان قیل ا لیس شیوخکم لا تزال یناظرون خصومهم فی ان الخبر الواحد لا یعمل به، و یدفعونهم عن صحة ذلک حتی انّ منهم من یقول لا یجوز ذلک عقلاً و منهم من یقول لا یجوز ذلک لانّ السمع لم یرد به. (بحث ما بحث هر خبر واحدی است چون اگر محال عقلی بود، که تخصیص بردار نیست. اگر روایتی داشتیم بر حجیت خبر واحد لظهر و بان. پس خبر واحد حجت نیست. این حرف شیوخ شما امامیه است. ان وقت شما چرا ادعای اجماع می کنید)

و ما راینا احدا منهم تکلم فی جواز ذلک. (آقای شیخ طوسی اجماع پیش کشتان یک نفر را بیاورید که گفته باشد عمل به خبر واحد جایز است) و لا صنف فیه کتابا و لا املی فیه مسالةً. (نه جز نوشته ها و نه جز املاء شده ها ما چیزی نمی بینیم) فکیف تدعون انتم خلاف ذلک.

قیل له: اولاً دائره بحث احکام فقهیه را با اعتقادات جدا کنید، علماء ما به خصمشان گفته اند و می گویند در اعتقادات متواتر بیاورید نه خبر واحد،

من اشرط منهم انما کلموا من خالفهم فی الاعتقاد و دفعوهم عن وجوب العمل بما یرونه من الاخبار المتضمنة للاحکام التی یرونهم خلافها.

پس همان طور که گفتم اولا میدان اعتقاد و احکام را جدا کنید و ثانیا در میدان احکام ما صریح می کنیم به روایاتی که فقط آنها نقل کرده اند و در کتب ما نیست، ما عمل نمی کنیم، اگر گفته اند خبر واحد شما به درد نمی­خورد حتی در احکام آن روایتی است که ان ها نقل کرده اند فقط.

هذا وللکلام تتمة.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.